

«سر» اختابوس

قطع باید گردد؟

م. رازی

Razi@kargar.org

گرفته و یا بلا فاصله اعدام گشته اند. در صورتی که با زندانیان «سیاسی» کنونی محترمانه رفتار شده و آنها از حقوق ویژه ای برخوردار هستند. مسائل طرح شده توسط آنها و اعتراضاتشان قابل مقایسه با مسائل اکثریت زندانیان سیاسی نیست. زندانیان سیاسی عادی هرگز امکان دفاع از خود در دادگاهها را نمی یابند و در اسرع وقت «سر به نیست» می گردند. در صورتی که مسئله این عده نداشتند روزنامه در زندان و یا عدم ملاقات خانوادگانشان و یا دوست نداشتند لباس و یا غذای زندان است!

رژیمی که تا کنون هزارها تن از کارگران و جوانان را اعدام کرده، قصد کشتن و نابودی این «خودی» ها را ندارد که تنها می خواهد آنها را تأديب کند. تفاوت این دو بر خورد، فاحش است! اپوزیسیون خارج از کشور باید این تفاوتها را به رسیت شمرده و بر آن تأکید ورزد.

رژیم کنونی ایران همانند اختابوسی است با دستهای متعدد. گرچه این دستهای گاهی به یکدیگر گره خورده و هم آهنگی را از دست می دهند، اما کماکان حافظ کل بدن بوده از آن با دل و جان حراست می کنند. زیرا واقعند که با از دست دادن بدن، خود آنها نیز از بین خواهند رفت.

در صورتی که مسئله کارگران، جوانان، زنان و ملیتهای ایران که تحت ستم این حیوان زشت صیرت قرار گرفته اند، قطع کردن «سر» اختابوس است! افراد و نیروهایی که به نحوی از انحا با هر استدلالی به حمایت از اجزای بدن این اختابوس، پرداخته و آن را تغذیه می کنند، به حیات ننگین این حیوان، آگاهانه و یا نا آگاهانه کمک می

دادگاه های نمایشی شرکت کنندگان در کنفرانس برلین، بار دیگر مسئله ماهیت رژیم و جناح های درونی آن را به مرکز توجه سوق می دهد. در جریان دادگاه ها، برخی از اصلاح گرایان به دفاع از خود پرداخته (گنجی و افشاری) و بعضی نیز به ندامت (ابراهیم نبوی) و عده نیز «میانه روی» گردند. اپوزیسیون خارج از کشور نیر طبق روال همیشگی به تجلیل و تحسین دسته اول پرداخته و عملکرد سایرین را موجه اعلام کردند.

بدیهی است که دفاع از حق دمکراتیک هر زندانی سیاسی حائز اهمیت بوده، زیرا منجر به افسای ماهیت رژیم و تقویت مبارزات کلیه مخالفان رژیم می گردد. طبیعی است که هر روش و شیوه سرکوب مخالفان سیاسی باید مورد اعتراض شدید قرار گرفته، حتی چنانچه مرعوب شوندگان، بخشی از افراد وابسته به رژیم باشند.

اما، تمام اینها نباید به مفهوم دفاع سیاسی از برنامه ها و سیاستهای «مخالفان» باشد. اضافه بر آن، نمی توان فراموش کرد که متهمان کنفرانس برلین خود به شکلی مربوط به رژیم و سیاستهای پیشین آن بوده، و در نتیجه رفتار هیئت حاکم نیز با آنها متفاوت است. در ایران زندانیان سیاسی ای وجود داشته و دارند که زیر شدیدترین شکنجه ها قرار

امروز در ایران «جبهه سوم»ی در حال شکل گیری است. مبارزه در راستای ایجاد تشكل های مستقل کارگران، جوانان و زنان؛ و دفاع از زندانیان سیاسی در بند که بطور گمنام در زندانهای رژیم تحت شکنجه های روانی و جسمانی قرار گرفته، باید محور مبارزات نیروها و افراد خارج از کشور قرار گیرد.

مبارزه مردم ستم دیده ایران در راه سرنگونی کامل این رژیم و قطع کردن «سر» اختاپوس در دستور روز قرار گرفته است. زیرا سریع ترین و مطمئن ترین روش در راستای تحقق حقوق دموکراتیک و انجام اصلاحات بنیادین با براندازی این رژیم منحوس گره خورده است.

۱۳۷۹ آبان ۳۰

برای مقالات دیگر در مورد اصلاح گرایان از سایت
زیر دیدن فرمائید:

<http://www.kargar.org/maghalat.htm>

بولتن انگلیسی «عمل کارگری» شماره ۳
انتشار یافت:

<http://kargar.org/english.htm>

مقالاتی در باره ستم بر زنان

<http://kargar.org/zanan.htm>

رسانند. این که به کدامیک از اجزا کمک رسانده می شود، تفاوتی در اصل قضیه نمی کند. رژیم سرمایه داری آخوندی ایران در مجموع رژیمی است اختناق آمیز، تحولات درونی چنین رژیمی هرگز به اصلاحات نمی انجامد. قرار بود آقای خاتمی با بیش از ۲۰ میلیون آرای مردم، «اصلاحات» را انجام داده و «جامعه مدنی» را برقرار کند. چنین نشد! قرار شد که مجلس ششم، که اکثریت آن در دست اصلاح گرایان «جبهه مشارکت» متصرف شده، اقدام به اصلاحات کند. چنین نشد! اکنون می گویند که قرار است «نیروهای غیر حکومتی و رادیکال» رژیم (گنجی ها و طبرزدی ها) سکان اصلاحات را بدست بگیرند. این استدلالها نیز بی اساس است. زیرا مخالفت این افراد، در اوج خود، از اختلافات جزئی و شخصی فراتر نرفته و نمی تواند برود. اکبر گنجی ۸ ساعت در دادگاه علنی در انتظار جهانیان، فرصت طلایی ای داشت که ضمن افشاء رژیم از اصلاحات حمایت کرده و رژیم را به محکمه بکشد. چنین نکرد! آیا دفاع از حقوق زنان ایران (یکی از موارد اتهام نسبت به او) در دادگاه بیشتر اهمیت داشت و یا کتک خوردن او بدست زندانیان؟ آقای طبرزدی بطور سیستماتیک به دانشجویان مستقل پشت کرده و تشکیل «جبهه دموکراتیک مردم» و سازمانهای وابسته به آن «جنبش متعدد کارگران» و «جن بش متعدد دانشجویان»، هیچ اقدام اساسی تا کنون انجام نداده و از اعتباری در جامعه بر خوردار نیستند (تنها متهدان خارج از کشوری این جریانها مبلغ و بلندگوی نظریات وی شده اند- رجوع شود به نشریات اکثریت و راه کارگر).